

گامی به سوی شکوفایی

مجموعه‌هایی ارزشمند جهت رشد
و بهبود اوضاع مدارس و طلاب علوم دینی

مجموعه آثار:

مولانا مفتی محمد قاسم بنی کمال (قاسمی)

تهیه و ترتیب:

عبدالناصر امینی

سرشناسه	: فاسمی، محمدقاسم، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام بدی‌آور	: گامی به سوی شکوفایی: رهنمودهایی ارزشمند جهت رشد و بهبود اوضاع مدارس و طلاب علوم دینی/مجموعه آثار محمدقاسم بنی‌کمال(فاسمی)؛ تهیه و ترتیب عبدالناصر امینی.
مشخصات نشر	: زاهدان: ندوی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۵۸-۲۹-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حوزه‌های علمی
موضوع	: طلاب
نسخه افزوده	: امینی، عبدالناصر، گردآورنده
رده بندی کنگره	: ۱۲۹۴۴/۷۸۴ ق/۱۷
رده بندی دهکده	: ۱۵۱/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۴۰۶۳۳

گامی به سوی شکوفایی

مؤلف:	مولانا مفتی محمدقاسم بنی کمال (فاسمی)
تهیه و ترتیب:	عبدالناصر امینی
ناشر:	انتشارات علامه ندوی
تیراژ:	۳۰۰۰ جلد
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شابک:	۹۷۸۹۶۴۲۶۵۸۲۹۹
قیمت:	۱۵۰۰۰ تومان

مرکز پخش: سیستان و بلوچستان - زاهدان - خیابان خیام روبروی مسجد جامع مکی - مجتمع فرهنگی مکی -
انتشارات علامه ندوی.

فهرست مطالب

۷ /	 سنن اول
۸ /	 پیشگفتار
۱۷ /	 فصل اول
۱۹ /	 رسالت خزانگان عالم
۱۹ /	 حوزه و گذشته آن
۲۰ /	 روزگاری که جهان از حوزه الهام گرفت
۲۲ /	 الگوپذیری جهان اسلام از غرب
۲۳ /	 اعتراف دانشمندان غربی به این واقعیت
۲۴ /	 پاره‌ای از ارمغان‌های غرب‌زدگی
۲۵ /	 جنگ سرد یا تهاجم فرهنگی
۲۶ /	 نقش دارالعلوم دیوبند و ندوة العلماء در هند
۲۸ /	 دوگانگی فرهنگی، مولود شیوه‌های غربی
۲۹ /	 رسالتی که نباید در انجام آن تأخیر شود
۳۰ /	 لزوم تغییر و تحول در برنامه‌های تعلیمی و تربیتی
۳۱ /	 نظریه علامه محمد تقی عثمانی
۳۲ /	 تبلیغ اسلام در غرب و تهیه کتاب‌ها و مواد لازم و مؤثر
۳۲ /	 عرضه تعالیم اسلام به اقشار مختلف جامعه
۳۴ /	 مسئولیت در قبال توده امت
۳۵ /	 سخن آخر

عوامل صعود و سقوط مدارس.....	۳۷/
سه هدف بزرگ مدارس.....	۳۹/
وضعیت فعلی.....	۳۹/
در زمینه تربیت ایمانی، علمی، عملی، اخلاقی و ایجاد علاقه خدمت؛ پیشنهادات ما به طور فشرده حسب ذیل است.....	۴۶/
به نفعی از راه حل های متبادل و مفید.....	۴۷/
مدارس دینی در جستجوی هویت گمشده خویش.....	۵۱/
گامی نوین در جهت اصلاح جامعه و تعلیم و تربیت آینده سازان.....	۵۵/
ارزیابی روش های معاصر.....	۶۰/
نظریه مولانا سلیمان بن علی حفظه الله.....	۶۰/
فصل دوم.....	۶۷/
گامی به سوی شکوفایی.....	۶۹/
سخنی با آینده سازان.....	۷۱/
مسئولیت طلاب در عصر حاضر.....	۷۵/
ویژگی های طلبه نمونه و موفق.....	۷۹/
گامی به سوی اصلاح و خودسازی.....	۸۵/
گام های مؤثر و برتر به سوی اصلاح چیست؟.....	۸۷/
سخنی با دانش آموختگان تخصص فقه.....	۹۱/
از ما چه انتظاری می رود؟.....	۹۲/
اسباب کتمان علم.....	۹۴/
واقعه ای از مولانا عبدالعزیز رحمه الله.....	۹۶/
چند نکته مهم.....	۹۸/
تعطیلات را چگونه سپری کنیم؟.....	۱۰۳/
فرصتی برای جبران کمبودها.....	۱۰۳/

سخن اول

درگاه عزیز آنچه در کتاب حاضر می‌خوانید، مجموعه مقاله‌ها نوشته‌هایی است که در زمینه تعلیم و تربیت و ساختن رجال، به قلم نگارنده این سطور در واقع مختار به رشته تحریر درآمده است.

الله تعالی را عزیز بزمند، مولوی عبدالناصر امینی، که این مجموعه گردآوری نموده، بهر بن‌بانش را عنایت فرماید، و عمر و علم و عمل وی را برکت‌ها قرین سازد.

امیدوارم مطالعه این مطالب اندیشیدن برامون آن‌ها و عملی کردنشان، باذن الهی سبب تنویر افکار و قدمی در جهت اصلاح و تحول جامعه ما قرار گیرد، مورد قبول درگاه حق تعالی واقع شود.

وهوالمستعان و علیه التکلا

محمد قاسم بنی کمال (قاسمی)

دارالعلوم زاهدان

۱۴۳۶/۲/۱۷

پیشگفتار

می‌گویند دو کار مهم در جهان خیلی سخت و بسیار دارای ظرافت‌اند: یکی تعلیم و تربیت، و دیگری حکومت و کشورداری. و به نظر برخی اولی از دومی مهم‌تر و مشکل‌تر است. به‌راستی که اگر اولی درست انجام گیرد، دومی نیز به‌درستی انجام خواهد گرفت.

پروردگار عز و جل ابی‌الیم‌السلام را که بهترین انسان‌ها هستند، برای تعلیم و تربیت انسان مبعوث کرده است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «انما بعثت معلماً»؛ همانا من به‌عنوان معلم بعث شده‌ام.

تعلیم و تربیت در هر زمانی دارای اهمیت بوده است، اما در زمان حاضر اهمیت آن بیش از گذشته احساس می‌شود. دلایل این است که در زمان‌ها و ادوار گذشته عوامل مخرب و ضد اخلاقی و امکانات فساد، مانند امروز مهیا نبود. اما امروزه چنان نیست، گسترش فتنه و فساد، درهم زدن عوامل و زمینه‌های گمراهی و بدی، بی‌نهایت رنج‌آور شده است.

متأسفانه خیلی از شیوه‌های تخریب و گمراه‌سازی که قبلاً، عصر، جزئی و فردی وجود داشته‌اند، امروز به شکل حرفه و صنعت درآمدہ‌اند و بطور منظم و برنامه‌ریزی شده صورت می‌گیرند. اینجاست که وظیفه داعیان و معلمان و مربیان بیش‌ازپیش سنگین‌تر و مهم‌تر می‌گردد و اینجاست که مسئولیت مراکز آموزشی و تربیتی بیش از هر زمان، دشوارتر معلوم می‌شود.

بهراستی اوضاع کنونی جهان اسلام از یک طرف، و ناکامی بسیاری از نهضت‌ها و حرکت‌ها، افراط‌گری بسیاری از گروه‌ها و افراد از سوی دیگر، نسل معاصر را تا حد زیادی دچار یأس و سردرگمی کرده و نسبت به بسیاری برنامه‌ها بی‌اعتماد و بدبین ساخته است. در چنین شرایطی بهترین خدمت به اسلام و به بشریت این است که عالمان و آگاهان جامعه به‌طور جدی بپا خیزند و با اخلاص و صمیمیت، همت و پشتکار برای تعلیم و تربیت نوباوگان و جوانان برنامه‌ریزی نمایند.

امروز اکتفا کردن به شیوه‌های موجود و رایج مشکلی را حل نمی‌کند، و اگر رجال تعلیم و تربیت بدون تعصب بیندیشند، اذعان خواهند کرد که نتایج و خروجی مراکز و نهادهای رایج مطلوب و پاسخگو نیست.

سؤال این است که دارالمعلمین، مدارس علمیه و مراکز دینی در خصوص ساخت و تحویل مصلحان و تربیان و عالمان مطلوب، به جامعه چند درصد موفق بوده و هستند. نیز از دبستان گرفته تا دانشگاه این همه مراکز و کانون‌های آموزشی و پرورشی چقدر توانسته‌اند افراد کارآمد و مفید، مخلص و متقی به جامعه تحویل دهند.

آیا معضلات و مشکلات جوامع اسلامی در حال افزایش نیست. مشکل اینجاست که خیلی از متولیان امر تعلیم و تربیت، به جای ابتکار و تجدیدنظر در روش‌ها و اعتراف به ضعف و کاستی‌های موجود معمولاً به دفاع از خود می‌پردازند و ضعف‌ها را توجیه می‌کنند. آیا فقط با توجیه و دفاع مشکلات حل می‌شود و نتایج مطلوب حاصل خواهد شد؟ آیا صرفاً با ادعا و تبلیغات می‌توان به نتیجه مطلوب رسید؟ مسلماً خیر!

از طرفی دیگر باید اذعان کنیم که عقب‌ماندگی و ناکامی‌های که حاصل ضعف برنامه‌ها و شیوه‌های ناقص چندین ساله است، زود و سریع نمی‌شود آن‌ها را

برطرف کرد، اما به هر حال از یأس و ناامیدی و افسردگی و روضه خواندن هم نتیجه ای جزء یأس و افسردگی بیشتر به دست نمی آید، پس باید گام هایی به سوی اصلاح و شکوفایی برداشت؛ زیرا هر کاری آغازی دارد و راه رفتن و رسیدن به منزل با گام نخست شروع می شود. پس بر ماست که با اعتراف به کوشش ها و تلاش های گذشتگان و تجلیل و تحسین از فعالیت پیش کسوتان، درصدد جبران کمبودها برآیم، و آنچه را که هنوز انجام نگرفته، برای انجام آن صمیمانه تصمیم بگیریم.

هدف اساسی ما باید حصول رضای الهی و نصرت دین حق باشد، و باور کنیم که الله تعالی هیچ کوششی را بی مزد نمی گذارد. حرکت از ما و برکت از جانب اوست. به مهربانی آن عرض شد، واقعیت هایی است که آگاهان پس از اندکی تأمل آن را تصدیق می نمایند و قطعاً همان ها به اذن الهی می توانند راهنمای راهروان قرار گیرند، و گریه ها، راه ا هموار سازند.

لذا از آنجایی که هر کس در جامعه اسلامی وظیفه ای دارد، اینک به محضر خبرگان و مصلحان دینی پیشنهادهایی می شود که شاید بذل توجه به آن سبب شود تا مشکلات را بهتر شناسایی کنیم و رصد علاج و چاره جویی برآیم:

۱. امت نام یک طبقه و یک لایه و بخش از جامعه نیست، بنابراین باید برای هر طبقه ای اهمیت قائل شد و برای اصلاح آن برنامه های جداگانه و مناسبی تدارک دید.

توجه و اهتمام به یک قشر و بی توجهی و عدم اهتمام به قشر دیگر نه تنها مشکلی را حل نمی کند که فاصله ها و تناقض ها را افزایش خواهد داد.

۲. مشورت و تبادل آرا و عدم استبداد رأی نخستین شرط رشد و شکوفایی هر گروه و مؤسسه است. اما ناگفته نماند که مشورت های موقت و پراکنده و غیر منظم

نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند که گلایه و دردها را افزون‌تر می‌سازد. پس مشورت‌ها و تبادل آرا باید به صورت دائم و منظم با افراد ذی صلاح صورت گیرد. پس از جلسه مشورتی لازم است به شکل زیر عمل شود: مشورت، تصویب و اجرا، تقسیم کار، نظارت، ارزیابی.

مشورت‌ها در هر زمینه زمانی متمرکز می‌شود که اعضای مشورتی درباره موضوعات مورد مشورت خوب فکر کرده باشند. و آنچه فکر را تقویت و پخته می‌کند، مطالعه و دیدار و رایزنی با افراد آگاه و مجرب است. برای رایزنی و مشورت با افراد آگاه، ما مربیان لازم است افراد زبده هر سازمان و مرکز پس از شناسایی افراد آگاه زبده با خود پیش آنان بروند و از رأی و تجربه آنان بهره‌مند شوند یا آن‌ها را به مرکز و محل کار، ویش دعوت نمایند. و گاهی هر دو صورت لازم است. به طور مثال اگر در جوامع دیگر در زمینه تعلیم و تربیت و پرورش مهارت‌ها پیشرفت‌هایی صورت گرفته باشد باید بدان جا سفر نماییم و از نزدیک عوامل پیشرفت را بررسی کنیم، و شیوه‌های کاری خود را با آن‌ها مقایسه نماییم. در این صورت بهتر خواهیم توانست دگرگونی مطلوبی ایجاد نماییم.

هم چنین اگر آگاهان و افراد مجرب مناطق دیگر را به محل خود دعوت کنیم و از آن‌ها راهکارهای رشد و شکوفایی را جویا شویم، قطعاً به نتایج مطلوب‌تری خواهیم رسید.

۳. اراده و تصمیم: نخستین قدم در هر کاری اراده و تصمیم برای انجام آن کار است؛ خواستن، توانستن است.

متأسفانه اوضاع داخلی و خارجی و تبلیغات منفی دشمنان اسلام و حزب ابلیس طوری گسترده و فراگیر شده که خیلی‌ها را ناامید و افسرده کرده است. وقتی

مصلحان و مربیان افسرده و ناامید شوند بدیهی است که در آن صورت هیچ حرکتی انجام نخواهد گرفت.

بهترین نسخه برای ایجاد اراده، امیدوار بودن به آینده است. بیماری را تصور کنید که پزشک معالج به زنده ماندنش امیدی ندارد آیا در چنین وضعیتی اقدام به درمان او می‌کند؟ اما هرگاه پزشک به زندگی بیمار امیدوار باشد قطعاً فکرش را به کار می‌بندد و درصدد علاج برمی‌آید، و بالاخره به نتایجی دست می‌یابد و سبب خیریندی می‌گردد. اوضاع و شرایط هرگونه باشد انسان مسلمان نباید از آینده قطع امید کند.

بدون برنامه، ناامیدی انسان را قبل از مرگ، می‌میراند، و به قول علامه اقبال از مرگ هم بدتر است:

ناامیدی همچون زهر از ساروت گرچه الوندی ز پای می‌آردت
از دمش میرد قشای زنی تشک گردد چشمه‌های زندگی
در قرآن آمده است: «وَمَنْ يَنْقُطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»؛ [سوره حجر آیه ۵۶]
و چه کسی جز گمراهان از مهربانی پروردگار رها نمی‌شود.
قرآن مجید ناامیدی را خصلت کافران خوانده است: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ [سوره یوسف آیه ۸۷]

به‌درستی جز مردم کافر کسی از لطف الله ناامید نمی‌شود.
امیدوار بودن در انسان انگیزه و اراده به وجود می‌آورد و با نیروی اراده است که انسان به انجام کارهای بزرگ تصمیم می‌گیرد و ناممکن‌ها را ممکن می‌سازد.
۴. همت بلند: بعد از اراده و تصمیم، همت بلند است که انسان را به هدف می‌رساند. همت‌بلنددار که مردان روزگار، از همت بلند به‌جایی رسیده‌اند.
به هر کاری که همت بسته گردد

اگر خاری بود گلدسته گردد

آری باهمت بلند می توان از گردنه های سخت عبور کرد و ناهمواری های راه را تحمل نمود و به مقصد رسید.

شاعر مشرق درباره معجزه گری همت چنین می گوید:

سنگ ره آب است اگر همت قوی است

سیل را پست و بلند چاره چیست

سنگ ره گردد فسان تیغ عزم

بطح منزل امتحان تیغ عزم

۵. استقامت و پشتکار: یکی از مشکلات داعیان و فعالان امروزی و اصلاح گران و اصلاح طلبان جاسه این است که پس از تصمیم و آغاز یک کار همین که به نتیجه مطلوب نرسیدند، زو سرد و بر حال می شوند، یا از تهدیدهای راه می هراسند و عقب گرد می نمایند، یا از ترس شکست و ناکامی و یا سستی و فراموشی از ادامه دادن راه منصرف می شوند. قرآن مجید را روان راه حقیقت را به صبر و شکیبایی توصیه کرده و صابران را محبوبان الهی خوانده است:

«وَكَايْنِ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا قُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ». [سورة آل عمران آیه ۱۴۶]

آن حضرت ﷺ فرموده است: «خیر الاعمال اَدومها و إن قل؛ بهترین کارها و اعمال همان است که بادوام تر باشد هرچند اندک باشد.

راهرو آن نیست که گهی تند و گهی خسته رود

راهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

بدون شک، مدار قبولیت اعمال بر اخلاص است در طول تاریخ کسانی توانسته‌اند مسیر صحیح را ادامه دهند که هدفشان فقط الله بوده است. مخلصان‌اند که خسته نمی‌شوند و برای رسیدن به خوشنودی محبوب حقیقی از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. به مدح و ذم، و ستایش و نکوهش مردم التفاتی ندارند.

ما ریاکاران به‌زودی صحنه را خالی می‌کنند. و چون به هدف مطلوب خویش می‌رسند، از ترس ناکامی عقب‌گرد می‌نمایند و رسوایی دنیا و آخرت را در حق خویش رقم می‌زنند و در نهایت جز حسرت و افسوس بهره‌ای نمی‌برند. تاریخ گواه است که الله عالم عمل اندک مخلصان را رشد داده و نهال فعالیت‌شان را طوری ثمر دار نموده است که خود آن نیز تصور آن را نمی‌کردند.

که به هر دم تجلی می‌فزود

از ناصیحات ابراهیم بود

اما نا مخلصان و ریاکاران دیر یا زود با صخره‌های ناکامی و شکست دچار شده و باوجود امکانات ظاهری و فراوانی بسیار، ات و بی‌آینده گشته‌اند.

۷. دعا: بدون تردید کلید هر گنج فقط در دست الله است، چیست که در خزانه‌های او وجود ندارد: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ».

[سوره حجر آیه ۲۱]

از این رو کسانی که به این حقیقت ایمان و اعتقاد دارند، هیچ‌گاه از مسألت ابا نمی‌کنند، و قبل از هر فعالیت از الله استمداد نموده و بعد از آن دعای قبولیت می‌نمایند و در هر حال تضرع و زاری را عامل موفقیت می‌دانند.

الله بزرگ مهربان به پیامبر محبوبش چنین توصیه می‌کند: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ» [سوره شرح آیه ۱۷]

صاحب تفسیر جلالین این آیه را این گونه تفسیر کرده است.

خواننده عزیز اگر اندکی نگاهتان را به زندگانی انبیا و اولیا و مجددان دین و مصلحان واقعی جامعه بیندازند می بینند که آنان همگی مصداق این آیه بودند: «إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ».

[سوره انبیاء آیه ۹۰]

آری آنان آگ روزها در دریای انسانی غوطه می خوردند و غریق ها را نجات می دادند، در دل شد پروردگارشان را یاد می کردند و در آیات قرآن تدبر می نمودند و در حالت سجده اش می ریختند.

آری غیا چشم من دریا بدی

تا آنجا در سیر زیبا شدی

این دل سوختگان بر این بارو بودند که گدازدهای مصائب و مشکلات فقط با دعا و ناله های نیم شبی دفع می شود.

دلا بسوز که سوز تو دلا بسوز

ناله نیم شبی دفع صد ناله بسوز

به راستی که توفیق تضرع یافتن نویدبخش موفقیت های بزرگ در آینده، و دل سوختگی در آغاز نشانه درخشندگی در پایان کار است.

چون خدا خواهد که مان یاری کند

میل مان را جانب زاری کند

خنده ها در گریه آمد کتیم

گنج در ویرانه ها جوای سلیم

هرکجا در دیست دوا آنجا رود

هرکجا پستی است آب آنجا رود

بنابراین بر راهروان راه حقیقت و مصلحان جامعه و دلسوزان امت لازم است بخشی از اوقات شبانه روز را در خلوت با الله بسر برند و مشکلات را با زاری در پیشگاه یگانه مشکل گشا مطرح نمایند و با یقین و امید از او توفیق و تیسیر، قبولیت و قبولیت کارهایشان را مسئلت نمایند، و از دیگران نیز اتماس دعا کنند. وعده پروردگار است: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» [سوره غافر آیه ۶۰] مرا بنادانید دعای تان را اجابت می کنم.